

رفتار سیاسی آیت الله سیستانی (با تأکید بر وحدت و نفی اشغالگری)

سید آصف کاظمی^۱

چکیده

دیدگاه و رفتار سیاسی آیت الله سیستانی بعد از سقوط صدام، به عنوان یک نیروی سیاسی فعال در عراق، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های بحث نشان می‌دهد که موضع‌گیری‌های مردم سالارانه و رفتار سیاسی آیت الله سیستانی با پشتیبانی و رضایت نسبی تمام اقوام و پیروان مذاهب مختلف در عراق همراه شد. رفتار سیاسی ایشان، وی را به الگوی بی‌بدیلی تبدیل ساخت و اشغالگران را وادار نمود تا در انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی، پیشنهادهای ایشان را بپذیرند. نگاه ویژه به امنیت و رفاه، مبارزه با فساد، توجه به نقش زن در جامعه، رصد سرنوشت کلان جهان اسلام به ویژه مسائل فلسطین، قانون‌مداری، تقریب‌گرایی، توجه ویژه به وحدت و مخالفت با اشغالگری از نشانه‌های سیاسی هستند که در رفتار آیت الله سیستانی به فراوانی قابل مشاهده هستند.

واژگان کلیدی

آیت الله سیستانی، وحدت‌گرایی، اشغالگران، مردم‌سالاری، قانون‌گرایی.

^۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ معاصر جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

نگاه و سبک سیاست‌ورزی مراجع شیعه در حوزه سیاست و ظرفیت‌های متفاوت آن در هر زمان و مکان می‌تواند، نشان دهد؛ که چگونه مراجع بزرگ شیعی با الهام از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بنا به شرایط زمان و مکان و ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی، طرحی نو پی‌ریزی کرده و فراتر از قالب‌های شناخته‌شده حرکت کنند. آیت‌الله سیستانی یکی از این مراجع بزرگوارست، که دیدگاه و رفتارش نسبت به سیاست و امور سیاسی، موردبررسی قرار می‌گیرد. دیدگاه او برای هر سیاست‌مداری که به عراق وارد می‌شود مهم است. او نه قدرت نظامی و نه حزب سیاسی و نه سرمایه‌های اقتصادی در اختیار دارد. آیت‌الله سیستانی به‌عنوان مرجع دینی در مراحل حساس، نقش رهبری بیدار و آینده‌نگر را ایفا کرده است. جایگاه آیت‌الله سیستانی در جامعه عراق، ناشی از سه عامل مشخص است که عبارت‌اند از: جایگاه حوزه علمیه نجف در عراق، به رسمیت شناخته شدن اعلیت فقهی آیت‌الله سیستانی و موضع‌گیری‌های مردم‌سالارانه ایشان در روند تحولات این کشور. مواضع اسلامی و مردم‌سالارانه آیت‌الله سیستانی که با پشتیبانی و رضایت نسبی تمام اقوام و پیروان مذاهب مختلف همراه شد، وی را به الگوی بی‌بدیلی برای طرفداران مردم‌سالاری تبدیل ساخت. این مواضع اشغالگران را وادار کرد تا در انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی، روند مردم‌سالارانه پیشنهادهای ایشان را بپذیرند (حاجی یوسفی و عارف نژاد، ۴۳).

پژوهشگران متعددی ضمن بررسی وضعیت جدید عراق، به جایگاه آیت‌الله سیستانی در تحولات عراق اشاره کرده‌اند. در بین تحقیقات منتشره، چند اثر با دقت بیشتری اندیشه‌ها و موضع‌گیری آیت‌الله سیستانی در عراق را بررسی کرده‌اند. تام لی دورف و جان هارکینز در مقاله «آینده نقش سیستانی در عراق»، وی را فردی محافظه‌کار و سنت‌گرا دانسته که اگرچه نظر مساعدی نسبت به دولت اسلامی دارد، اما معتقد به جدایی دین از سیاست است. ریدار ویسر در مقاله خود با عنوان «سیستانی، ایالات‌متحده آمریکا و سیاست در عراق: از سکوت‌گرایی تا ماکیاولیسم» می‌گوید؛ که نه پارادایم «آرامش‌گرایی سنتی» و نه تفاسیر جدیدتر «ماکیاولیسم» قادر به تفسیر و تبیین رفتارهای آیت‌الله سیستانی نیستند. به همین دلیل ویسر با رویکردی تاریخی تلاش می‌کند، رفتارها و موضع‌گیری‌های ایشان را بر اساس «نوسان بین موضع‌گیری منفی انفعالی تا موضع‌گیری مثبت فعال» تفسیر کند. مهدی خلجی در مقاله «آخرین مرجع: سیستانی و پایان اقتدار مذهبی سنتی در تشیع» بیان می‌کند؛ آیت‌الله سیستانی متعلق به نسلی از مراجع تقلید دو قرن اخیر است و تمامی اندیشه و عملکرد وی در این چهارچوب قابل‌فهم و

تجزیه و تحلیل است. او می‌گوید: آیت‌الله سیستانی نه در حوزه شریعت و نه در حوزه اندیشه سیاسی، هیچ‌گونه نوآوری نداشته و فتاوی او مانند فتاوی سایر مراجع تقلید است. بابک رحیمی در پژوهش خود با عنوان «آیت‌الله سیستانی و دموکراسی سازی عراق بعد از صدام» وی را فردی «آرامش‌گرا و سکوت‌گرا» دانسته که جهان غرب نتوانسته، مفهوم صحیح چنین سیاستی را در چهارچوب تفکر سنتی شیعی درک کند. وی آیت‌الله سیستانی را تحت تأثیر اندیشه‌های میرزای نائینی می‌داند (حاجی یوسفی و عارف نژاد، ۴۵-۴۶).

کتابی نیز اخیراً با عنوان «السید السیستانی، مرجعیة الانسانیة و العیش المشترك» به کوشش آقای سلیم الجبوری در بیروت منتشر شده، که منبعی بسیار مهم برای شناخت ابعاد شخصیت فکری و رفتاری آیت‌الله سیستانی است. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات بلند و کوتاهی است که نویسندگان مختلف در کتاب‌ها، همایش‌ها، روزنامه‌ها و مجلات مختلف درباره آیت‌الله سیستانی و دیدگاه‌ها و رفتارهای وی نوشته‌اند. برخی از مقالات این کتاب: ۱- مفهوم دولت در مکتب نجف از نائینی تا سیستانی از عبدالجبار الرفاعی. ۲- دین السید السیستانی و دنیا الاسلام السیاسی از فخری کریم. ۳- القرارات الکبری از تونی کایرون (نویسنده آمریکایی). او معتقد است؛ کسی که آمریکایی‌ها را وادار کرد تا نیروهای خود را از عراق خارج کنند نه بوش یا اوباما بلکه آیت‌الله سیستانی بود. ۴- السیستانی و هویة العراق الجدید از مصطفى الکاظمی. ۵- التعایش المذهبی و رؤیه السید السیستانی از شیخ حسن الصفار. بخش پایانی کتاب نوشته‌های کوتاهی از شخصیت‌های سیاسی یا نویسندگان یا روزنامه‌نگاران درباره آیت‌الله سیستانی است. اخضر ابراهیمی، غسان سلامه، ستیفان دی مستورا، جلال طالبانی، نوری المالکی، نبیه بری، ضیاء عباس، بریمر، آلبرایت، عمرو موسی، هاشمی رفسنجانی، علی لاریجانی، طارق الهاشمی، توماس فریدمان، شومسکی، عبدالرحمن راشد، محمد حسنین هیکل، نعیم قاسم، (جعفریان، khabaronline.ir/detail/284700/weblog/jafarian)

مکتب آیت‌الله سیستانی

آیت‌الله سید علی سیستانی در سال (۱۳۴۹ ق- ۱۳۰۹ ش) در مشهد متولد شد. در سال ۱۳۶۰ ه. ق. ۱۳۱۹ ش، آموختن مقدمات علوم حوزوی را در مشهد آغاز و سپس در سال (۱۳۶۸ ق- ۱۳۲۷ ش) به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله بروجردی، بهره‌مند شد. آیت‌الله سیستانی در سال (۱۳۷۱ ق- ۱۳۳۱ ش) از قم به نجف اشرف مهاجرت کرد و در جلسات دروس آیت‌الله

خویی، شیخ حسین حلی، آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شاهرودی حاضر شد. در سال (۱۳۸۰ ق - ۱۳۳۹ ش) تصمیم مراجعت به مشهد گرفت و در همان سال آیت‌الله خویی درجه اجتهاد وی را کتباً تأیید نمود (حاجی یوسفی و عارف نژاد، ۴۸).

پس از درگذشت آیت‌الله خویی و آیت‌الله سبزواری، مرجعیت آیت‌الله سیستانی بیشتر در حوزه نجف بر سر زبان‌ها افتاد. در بسیاری از کشورها، بیشتر پیروان آیت‌الله خویی، به آیت‌الله سیستانی رجوع کردند. (نادری دوست، ۱۲۷-۱۲۸). بدین ترتیب، آیت‌الله سیستانی به چهره بانفوذ در جامعه عراق تبدیل شد. وی شمار زیادی، مقلد در درون و بیرون عراق دارد. با توجه به اینکه آیت‌الله خویی دارای شبکه گسترده‌ای از نمایندگی‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی بود، این مراکز در اختیار آیت‌الله سیستانی قرار گرفت و به این طریق ضریب نفوذ وی در جامعه شیعه بسیار افزایش یافت (حاجی یوسفی و عارف نژاد، ۴۸-۴۹؛ فاتح، shstani.org).

قبل از سقوط رژیم صدام، مرجعیت ایشان با حاکمیت حزب بعث همزمان بود. در این دوران ظلم و ستم‌های وحشیانه فراوانی علیه مرجعیت، احزاب مذهبی و به‌طور کلی شیعیان و کردها صورت گرفت. جو خفقان و ظالمانه‌ی حاکم، اندیشه شیعی و مرجعیت را برای مدتی گرفتار عزلت و انزوا کرد. فعالیت‌های مراجع، صرفاً به عرصه‌های داخلی و امور حوزوی محدود گردید. این جو خفقان سبب گردید تا ایشانرا و روش انزوا و عدم حضور در مجالس و محافل را، حدود ۲۶ سال، در پیش گرفته و حتی از منزل خارج نشود. همین رفتار عزلت‌نشینی به عقیده ایشان، سبب حفظ حوزه‌های علمیه نجف شد (الخفاف، ۹۴). مسیری که بسیاری از بزرگان حوزه، یکی پس از دیگری پیموده و در راه حفظ حوزه علمیه، تلخی‌ها و مرارت‌هایی را به جان خریدند. تفاوت در عملکرد مراجع شیعه در عراق با اشغالگران و استعمارگران را باید بر اساس، عنصر زمان و مکان و توانایی فقه شیعه بیان نمود. اگر مرجعی مثل شیخ‌الشریعه اصفهانی و دیگران در سال (۱۹۱۴ م - ۱۳۳۲ ش) در رأس گروه مجاهدین، علیه استعمار می‌جنگند و آیت‌الله سیستانی، امروز از رویارویی مستقیم با اشغالگران پرهیز می‌نماید، همه را باید با توجه به شرایط زمانی و مکانی و تغییر در تاکتیک‌ها در جهت اعتلای مسلمانان در عراق و منافع دین اسلام تعبیر نمود (قاسمی، ۱۱۸).

آیت‌الله سیستانی دوران طلبگی تا مرجعیت را در محیط پیچیده عراق، طی کرده است. در عراق تنوع و تکثر مذهبی و قومی بسیار زیادی وجود دارد. در این محیط پیچیده و متنوع، حرکت کردن دشوار است و مقبولیت یافتن امری تقریباً محال. حال چه چیزی می‌تواند، نفوذ کلام و

سیطره معنوی یک فرد را از ارتش قدرتمند اشغالگر یا هیئت حاکمه عراق مؤثرتر کند؟ چنین است که آیت‌الله سیستانی به اشتراک مواضع در تمام این اجزای متنوع موزاییک عراق توجه دارد. کسی، اتهام گرایش خاصی به فلان موضوع یا بهمان تفکر را نمی‌تواند به ایشان وارد کند (گفت‌وگو با سید علی موجانی).

آیت‌الله سیستانی به‌عنوان مرجع دینی در مراحل حساس، نقش رهبری بیدار و آینده‌نگر را ایفا کرده است. مجبور کردن آمریکایی‌ها به انجام انتخابات و حل بحران شهر نجف، از جمله اقدامات اساسی و تعیین‌کننده ایشان بود. روزنامه الخلیج چاپ امارات اذعان نمود: دخالت آیت‌الله سیستانی و حل بحران نجف، درحالی‌که اشغالگران آمریکایی و دولت ایاد علاوی از حل آن درمانده بودند، نشان داد؛ مرجعیت شیعه، قدرتمندترین قطب تأثیرگذار در عراق است. برگ برنده مرجعیت، قدرت به صحنه آوردن مردم است (رازانی، ۱۰۸). دامنه تأثیرگذاری آیت‌الله سیستانی یک معماست. به‌ویژه برای آنان که با معیارهای حاکم بر شخصیت و سلوک سیاستمداران مطرح به رفتار آیت‌الله می‌نگرند. این که چگونه شخصیتی گوشه عزلت اختیار می‌کند و سال‌ها از کنج بیت محقرش بیرون نمی‌آید، با رسانه‌ها گفت‌وگو نمی‌کند، کمترین تصویر و فیلمی از او منتشر نمی‌شود؛ اما در این حال مؤثرترین شخصیت امروز عراق و مرجع عالی شیعیان است (فاتح، shafqna.com). آیت‌الله سیستانی نه تنها مؤثرترین شخصیت عراق، بلکه وی از تأثیرگذارترین مردان تاریخ معاصر به حساب می‌آید. رادیو سوا مصر، سوم دی ماه، در یک نظرسنجی اعلام کرد: که آیت‌الله سید علی سیستانی، به‌عنوان تأثیرگذارترین مرد سال ۲۰۱۵ میلادی انتخاب شد (hamshahrionline.ir).

نگاه و سبک سیاست‌ورزی مراجع شیعه در حوزه سیاست و ظرفیت‌های متفاوت آن در هر زمان و مکان، می‌تواند نشان دهد که چگونه مراجع بزرگ شیعی با الهام از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بنا به شرایط و ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی، طرحی نو پیریزی کرده و فراتر از قالب‌های شناخته‌شده حرکت می‌کنند. دیدگاه او برای هر سیاست‌مداری که از غرب و شرق و بلاد اسلامی به عراق وارد می‌شود مهم است، اما او نه قدرت نظامی در اختیار دارد و نه حزب سیاسی و نه سرمایه‌های اقتصادی. او در خانه‌ای اجاره‌ای که از ۳۵ سال پیش ساکن بوده، حضور دارد. آیت‌الله جز برای ضرورت به سیاست ورود پیدا نمی‌کند. ایشان در پاسخ سؤال شبکه بی‌بی‌سی در دسامبر ۲۰۰۵ م، - نخستین انتخابات دولت عراق در پرتو قانون جدید - که چه دلایلی مرجعیت را واداشت تا از حمایت از فهرستی خاص پرهیز کنند؟ فرمودند: روش مرجعیت این است که جز

به اقتضای ضرورت، در امور سیاسی دخالت نکنند و چون برخلاف انتخابات گذشته در این انتخابات به دلیل تغییر سامانه انتخاباتی، هیچ نیازی به دخالت نبود، مرجعیت بدون آن که از فهرست خاصی حمایت کنند، به واداشتن هم‌میهنان و تشویق آنان به مشارکت بسنده فرمودند (الخفاف، ۱۹۴). ایشان در پاسخ مجله تایم آمریکا که پرسیده بود؛ شما برخلاف مراجع در ایران این راه را انتخاب کرده‌اید که دور از سیاست بمانید، آیا این مسئله برای عراق خوب است؟ نیز فرمودند: روشی که حضرت آیت‌الله به آن باور دارند، عدم دخالت در امور سیاسی است؛ مگر درجایی که ضرورت حکم کند و بر این باور هستند که این کار برای موقعیت مرجع دینی و جایگاه معنوی وی در میان مردم شایسته‌تر است (همان، ۱۹۸).

مرجعیت از نگاه سید سیستانی، بسان یک‌نهاد مدنی است که حدفاصل دولت و ملت است. ایشان حساسیت زیادی نسبت به فساد دارد. دفتر ایشان نیز ساختار ساده، با سازوکار بسیار شفاف گردش مالی، استقلال از دولت و مبتنی بر وجوهات شرعی یا اعانات مردمی است. آیت‌الله سیستانی به امکان فساد واقف است. او به‌خوبی می‌داند که؛ این نهاد قدرتمند و ارزشمند می‌تواند، مورد طمع قرار گیرد. دستگاه مرجعیت در نجف اشرف دارای دستگاه عریض و طولیلی که قادر به مدیریت آن نباشند، نیست. پرداخت‌ها نیز حساب و کتاب روشنی دارد. ساختار ساده، سازوکار شفاف گردش مالی، استقلال از دولت، آیت‌الله سیستانی را قادر می‌سازد؛ به‌راحتی موضع مستحکمی در برابر فساد اقتصادی و سیاسی در عراق بگیرد و مبارزه با فساد را از مهم‌ترین مطالبات خود از دولت‌مردان قرار دهد. در درگاه مرجعیت ایشان زمینه برای تملق، تنگ است، چراکه وابستگی به مرجعیت یا قلمداد شدن از اعضای بیت یا وابستگان به بیت مرجعیت یا شاگردی، موجب مزیتی اجتماعی نمی‌گردد؛ زیرا قرار نیست که طلاب مسئولیت اجرایی و مقامی بر عهده بگیرند یا به توصیه آیت‌الله سیستانی صاحب‌منصبی شوند. این روش رفتاری سبب می‌شود که شاگردان انگیزه‌ای جز تحصیل برای نزدیک شدن به بیت نداشته باشند. دریک مورد فردی از نام ایشان استفاده نموده و وارد دستگاه اداری شده بود، ایشان طی نامه‌ای به نوری مالکی دستور دادند؛ تمامی کارمندان که بدین طریق استخدام شده‌اند، اخراج شوند. به وزارتخانه‌ها ابلاغ شود که هیچ سفرashi از طریق دفتر در کار نخواهد بود (همان، ۱۶۰-۱۶۱). ایشان از شکل‌گیری جریانی به نام طرفداران آیت‌الله پرهیز کرده و اجازه نداده است کسی به طرفداری او مانع آزادی دیگران شود یا به بهانه طرفداری شعار «دروود بر» و «مرگ بر» سر دهند. ایشان اساساً چیزی به نام طرفداران دوآتشه ندارند و افراطی‌گری را در هیچ امری به رسمیت نمی‌شناسند. قدرت مرجعیت

شیعه، از تبلیغات رایج یا زد و بندهای رایج سیاسی و اقتصادی و مافیایی حاصل نمی‌شود. آیت‌الله سیستانی نیز برای قدرتمند ساختن خود، هیچ اقدام شخصی نکرده است. حتی نصب تصاویر خویش بر منابر و انظار عمومی را نیز منع کرده است. در جواب استفتا آمده است: حضرت آیت‌الله هرگز به این مسئله راضی نیست (همان، ۶۰-۶۱ و ۱۲۳). مسئولین استان دیوانیه عراق در یک اقدام نام یکی از مدارس را به نام «امام سیستانی» نام‌گذاری کردند که آیت‌الله سیستانی، در نامه به استاندار آن استان، خواستار تغییر نام مدرسه شد (همان، ۱۷۸).

هیچ‌گاه شنیده و دیده نشده است که؛ آیت‌الله سیستانی به منع یا ساکت کردن گروهی ولو مخالفان سرسختش اقدام کند. ایشان می‌داند که برخی تلویزیون‌های مذهبی، صراحتاً برخلاف دیدگاه‌های علمای نجف اشرف عمل می‌کنند و رسانه‌هایی دیگر نیز با اساس روحانیت ستیز می‌کنند، اما او هرگز به بستن رسانه‌ای در عراق نظر نداده است. اساساً نوشته‌های رسانه‌ها، او را برانگیخته و تهییج نمی‌کند. حتی وقتی روزانه ده‌ها دروغ به او نسبت می‌دهند، انگیزه‌ای برای تکذیب ندارد و جز در موارد نادر تکذیبیه صادر نمی‌شود. درواقع اصل، برای ایشان سعه‌صدر و حفاظت از نهاد اخلاق و آزادی است و طبیعتاً چنین اقدامی هزینه‌هایی نیز در پی خواهد داشت (فاتح، Sistani.org)^۱. از اصول اساسی و دغدغه‌های آیت‌الله سیستانی، موضوع رابطه دین و سیاست یا دین و دولت است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید، بر پایه آموزه‌های سیاسی تشیع، روحانیت شیعه و مرجعیت شیعه با هیچ دولت غیرمذهبی نمی‌تواند از در سازش درآمده یا رابطه‌ای برمدار همکاری برقرار نماید. در دوران حکومت بعث، مرجعیت شیعه تحت تأثیر جو خفقان حاکم به‌نوعی، سکوت را ترجیح دادند و درراه حفظ حوزه علمیه به تدریس و امور داخلی حوزه پرداختند، اما با فروپاشی رژیم بعث، آیت‌الله سیستانی به سکوت طولانی‌مدت خود خاتمه می‌دهد. آیت‌الله سیستانی معتقد است که؛ هیچ قانونی مغایر با اصول اسلامی نباید به تصویب برسد. اسلام به‌عنوان دین رسمی باید به رسمیت شناخته شود. با اینکه ایشان هیچ منصب حکومتی ندارد و به دلیل اقتدار مذهبی و نفوذ کلامی که در میان شیعیان داراست، فرمان‌ها وی تا حدودی نقش رأی‌وتو را بازی می‌کند.

۱ یکی از مفتی‌های عربستان فتوا به کفر آیت‌الله سیستانی - العیاذ بالله - داد. وقتی این فتوا به ایشان منتقل شد، در جواب چنین گفتند: اگر من به فتوای وی، کافر هستم که خداوند مرا هدایت کند و از سر تقصیراتم بگذرد و مرا به راه اسلام آورد و اگر فتوای ایشان به‌دقت صادر نشده، خداوند ایشان را مورد مغفرت قرار دهد (گفت‌وگو با سید علی موجانی).

حوزه نجف و سیاست

حوزه علمیه نجف همواره یا خود از مراکز مهم تعیین کننده شرایط سیاسی بوده و یا دانش‌آموختگان آن در امور سیاسی صاحب‌رأی و تأثیرگذار بوده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۴۳). حوزه علمیه نجف حداقل در قرن بیستم یکی از مراکز مهم تأثیرگذار بر مسائل سیاسی جهان اسلام، به‌ویژه جهان تشیع، بوده است. این حوزه در دهه‌های ابتدای قرن بیستم به یک مرکز رهبری عمده برای جریان‌های معاصر عراق تبدیل شده است. علمای شیعه با فتاوی دینی-سیاسی خود، فضای جدیدی در عراق به وجود آوردند. از آنجاکه اکثریت جمعیت عراق شیعه هستند، برای رفتار سیاسی-اجتماعی خود، به سراغ حوزه علمیه می‌روند. این حوزه طبعاً منشأ پیدایش احزاب و گروه‌های سیاسی شده و شهر نجف به‌عنوان مرکز توفان سیاسی است (مریجی، ۴۷). البته حوزه نجف پیوندی با سیاست و قدرت و اقتصاد به آن مفهومی که در حوزه قم وجود دارد، نداشته است. ولی این به معنای حوزه غیرسیاسی نیز نیست، بلکه این حوزه ضمن حفظ سنت‌های خویش، سیاسی است و فهم از سیاست دارد. در یک بیان، حوزه نمی‌خواهد در سیاست وارد شود، چون در آن صورت باید به قدرت سیاسی مشروعیت بخشد. نمی‌خواهد چشم از سیاست ببوشاند چون مسئولیت انذار برای حفظ حقوق عامه را طبق شرع بر ذمه خود می‌داند. بنابراین، حوزه نجف حوزه‌ای است که درک سیاسی و مشی سیاسی دارد اما از ابتدای زایش خود تاکنون بر دخالت در سیاست به‌عنوان یک اصل تأکید نورزیده است. این یک نگاه است؛ اما شاید هم شرایط برای دخالت حوزه در سیاست پدید نیامده است. بنابراین حرکت در حوزه نجف، حرکت در قالب یک خرد جمعی است (گفت‌وگو با سید علی موجانی).

البته برخی حوزه علمیه نجف را منزوی از سیاست دانسته و آیت‌الله سیستانی را نیز ازجمله رهروان این قافله دانسته‌اند. این برداشت، ظلمی است به حوزه بزرگ نجف و آیت‌الله سیستانی، چون این حوزه با توجه به تاریخ آن، نقش مراجع و علما، هیچ‌گاه قائل به این جدایی نبوده است. در تاریخ حوزه نجف، خصوصاً بعد از جنگ جهانی اول و بعد از استقلال عراق، شاهد حضور علمای بسیاری در عرصه سیاسی هستیم. اداره مستقل شهر نجف پس از انقلاب، یکی از نتایج حضور علما در سیاست و استعمارستیزی بود. «الهیئة العلمیة الدینیة العلیا» سومین تشکیلات مؤثر در نجف بود و نقش رهبری محلی را داشت. علمای برجسته‌ای چون عبدالکریم جزایری، شیخ محمدجواد جزایری و سید محمدعلی بحر العلوم از اعضای آن بودند (رهیمی، ۲۲۴).

نشانه‌های رفتار سیاسی آیت‌الله سیستانی

بعد از سقوط دولت صدام در مارس ۲۰۰۳ م، نقش مرجعیت شیعه به‌عنوان یک نیروی سیاسی و کنشگر در عراق، بیش‌ازپیش موردبحث و بررسی قرار گرفت. هرچند مرجعیت شیعه، پیش‌ازاین نیز در طول حیات سیاسی عراق در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حاضر شده بود. دیدگاه‌ها و مواضع روشن آیت‌الله سیستانی، در فرایند دولت‌سازی و شکل‌گیری نظام سیاسی نوین عراق نشان داد، ایشان رسالتی سیاسی برای اسلام قائل است. ظرفیت اندیشه و رفتار سیاسی آیت‌الله سیستانی به حدی بارز و آشکار است که محققان غربی اذعان کردند؛ که نمی‌توان جایگاه ایشان را در صحنه سیاسی عراق نادیده گرفت (حاجی یوسفی و عارف نژاد، ۴۹). از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ م، می‌توان برای فعالیت‌های سیاسی ایشان سه مقطع را در نظر گرفت. دوره اول: بسترسازی قانونی تحقق اسلام سیاسی مردم‌سالار و تصویب قانون اساسی عراق (ژوئن ۲۰۰۳ تا دسامبر ۲۰۰۵)؛ دوره دوم: تقویت مشارکت سیاسی و جامعه مدنی و برگزاری انتخابات پارلمانی عراق (دسامبر ۲۰۰۵ تا مارس ۲۰۱۰)؛ دوره سوم: تأکید بر پاسخگویی دولت در قبال مردم (۲۰۰۶ تاکنون). شخصیت و رفتار آیت‌الله سیستانی در این دوره مسئولیت‌گریز نبود و عافیت‌طلبی نیز پیشه نکرد، -با معیارهای سیاسیون- جاه‌طلبی هم ندارند. نگاه سنتی را با واقعیت‌های اجتماعی پیوند دادند و درعین‌حال، خارج از رویه سنتی حوزه نجف هم حرکت نکردند (گفت‌وگو با سید علی موجانی).

در این مجال به برخی رفتار آیت‌الله سیستانی در حوزه سیاست با تأکید بر وحدت و اشغالگری اشاره می‌گردد. در رفتار سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی، نشانه‌های رفتار سیاسی فراوانی قابل‌توجه و بررسی است. توجه به امنیت و رفاه (حاجی یوسفی و عارف نژاد، ۵۲)، مبارزه با فساد اداری، توجه به نقش زن در جامعه (الخفاف، ۹۹)، رصد سرنوشت کلان جهان اسلام، نگاه ویژه به مسائل فلسطین، از این موارد است.

در پی حملات علیه ملت فلسطین در اردوگاه جنین، حضرت آیت‌الله سیستانی بیانیه‌ای بدین شرح صادر نمودند:

این روزها خواهران و برادران ما در سرزمین‌های اشغالی با تهاجم پیاپی صهیونیست‌ها روبه‌رو هستند؛ ستمگری‌های که در تاریخ معاصر به‌ندرت رخ داده است و کلمات از بیان توحش آن ناتوان‌اند؛ چراکه تجاوزات همه را در بر گرفته است... بنابراین به همه مسلمانان هشدار می‌دهیم که به یاری ملت مسلمان فلسطین بشتابند و فریادهای بلند یاری‌خواه آنان را پاسخ دهند و تمام

تلاش و توانایی‌های خود را در راه دفع متجاوزین به آن مردم و بازگرداندن حقوق غصب شده آنان و رهایی سرزمین‌های اسلامی از دست جنگ‌افروزان به‌کارگیرند (همان، ۱۱۰-۱۱۱). ایشان برای شهادت شیخ احمد یاسین نیز بیانیه دادند (همان، ۱۱۲). نسبت به حملات اسرائیل به غزه نیز بیانیه‌ای صادر نمودند (همان، ۱۷۶). قانون‌مداری، تقریب‌گرایی و... از نشانه‌های سیاسی هستند که در رفتار آیت‌الله سیستانی قابل‌مشاهده است. یکی از نشانه‌های مهم در رفتار سیاسی ایشان قانون‌گرایی است. از دیدگاه آیت‌الله سیستانی، قانون اساسی که بر اساس مصالح عالیه کشور تدوین نشده باشد بلکه بر اساس چانه‌زنی‌های قومی و مذهبی شکل گرفته باشد، به وحدت و انسجام جامعه لطمه می‌زند و نمی‌تواند پیونددهنده جامعه باشد. آیت‌الله سیستانی علناً در مقابل قانونی که رگه‌های فرقه‌گرایی در آن مشاهده می‌شد، ایستاد و صریحاً اعلام نمود: «هیچ گروه و فرقه‌ای نباید با دیگران متفاوت باشد و به همین دلیل بود که ما با حق اعتراض موجود در این قانون مخالفت کردیم؛ زیرا آن را تهدید آشکار به حقوق اکثریت ملت عراق می‌دانیم» (بهرزولک و شفایی، ص ۹۷).

مردم‌سالاری

تأکید آیت‌الله سیستانی بر تعیین‌کنندگی نظریه انتخاب، یکی از نظریه‌های مهم سیاسی شیعه را در رابطه با نظام سیاسی بازتاب می‌دهد. مهم‌ترین وجه اندیشه سیاسی آیت‌الله سیستانی، تأکید ایشان بر «تعیین آرای عمومی در سیاست عراق» است. در حقیقت از آغاز فرایند ترسیم نظام سیاسی جدید عراق، ایشان با در نظر داشت ترکیب قومی- مذهبی و گرایش‌های سیاسی بعضاً متضاد، تمام پرسش‌ها درباره آینده عراق را به نظر مردم این کشور ارجاع می‌داد. تأکید بر نقش نمایندگان مردم در تدوین قانون اساسی، تأکید بر شرکت مردم در همه‌پرسی قانون اساسی و تأکید بر مشارکت شهروندان در انتخابات، مهم‌ترین محورهای مردم‌سالاری را در اندیشه و رفتار آیت‌الله سیستانی نشان می‌دهد (همان، ۱۰۰-۱۰۱). جامعه مدنی موردنظر آیت‌الله سیستانی که فراهم‌کننده مشارکت مؤثر و سازنده مردم در تحولات اجتماعی- سیاسی است، نه تنها از اعمال نفوذ دولت و نهادهای دولتی آزاد است بلکه شخصیت‌های مذهبی و روحانی نیز نباید، خواهان دیکته کردن نظرات خود و پیروی بی‌چون‌وچرای مردم از آنان باشند (حاجی‌یوسفی و عارف‌نژاد، ۵۰).

حضرت آیت‌الله سیستانی در پاسخ به سؤال خبرگزاری آسوشیتدپرس مبنی بر نظام و سازوکار

که بعد از صدام خواستار آن هستید، فرمودند: نوع نظام حکومتی عراق را ملت تعیین می‌کند؛ و سازوکار آن برگزاری انتخابات عمومی است. مرجعیت هیچ نقش و سلطه‌ای بر عهده نخواهد گرفت (الخفاف، ۲۴). هفته‌نامه لهستانی نیز در پرسشی از آیت‌الله که آیا مایلید که نظام اسلامی قدرت را در کشور عراق به دست گیرد، فرمودند: خواست ما همان خواسته اکثریت ملت عراق است؛ بنابراین باید به آنان فرصت داده شود تا خود انتخاب کنند (همان، ۷۰). درباره دیدگاه مردم‌سالارانه آیت‌الله سیستانی، اخضر ابراهیمی، نماینده ویژه سازمان ملل نسبت به ملاقات خود با آیت‌الله سیستانی، خاطره‌ای نقل می‌کند و می‌گوید: من پس از پذیرش این مسئولیت وارد عراق شدم و از آیت‌الله تقاضای دیدار کردم تا دریابم نظر مرجعیت شیعه در خصوص تحولات عراق چیست؟ پس از کوشش بسیار در نجف موفق شدم با آیت‌الله دیدار کنم: پیرمردی روحانی بدون ظواهر دنیوی در گوشه‌ای از اتاق منتظر من نشسته بود. پس از معرفی خود، اعلام کردم که به عراق و دیدار با شما آمده‌ام تا نظر شما را نسبت به حوادث عراق بدانم. آقای سیستانی گفتند: آقای ابراهیمی ما چیزی غیر از آنچه خود شما نزدیک به یک دهه پیش به آقای ادوارد سعید و حسنین هیکل گفتید، نمی‌خواهیم. من شگفت‌زده بودم که آقای سیستانی درباره چه چیزی سخن می‌گوید؛ زیرا من یک دهه پیش نظری درباره عراق نداشتم و خواستار توضیح بیشتر شدم. آیت‌الله در پاسخ بیان داشتند: قریب یک دهه پیش شما همراه ادوارد سعید و حسنین هیکل در فلان رستوران در لندن نشسته بودید و درباره مشکلات دنیای اسلام بحث می‌کردید و شما در میان صحبت‌های خود گفتید: «زمانی مشکلات دنیای اسلام حل می‌شود که هر مسلمان حق رأی داشته باشد و دولت‌ها این حق را برای ملت خود بپذیرند». اکنون منظور آیت‌الله را دریافتم، اما تعجب کرده بودم که چه کسی خبر این دیدار و گفت‌وگوی سه‌گانه را به آیت‌الله داده است. ایشان چگونه از جزئیات اطلاع دارند. وقتی در این خصوص پرسیدم، ایشان پاسخ داد: این نظر شما را هیکل در کتاب خاطرات خود که منتشر شده، ثبت کرده است. درواقع، مرجعیت عراق با عمق مطالعه و غور در مباحث سیاسی — اجتماعی جهان عرب و با استناد به نظر خودم، فوری‌ترین نیاز جامعه مسلمان و دولت عراق بعد از صدام را به من ابلاغ کرد (pishine.ir؛ گفت‌وگو با سید علی موجانی).

از دیدگاه آیت‌الله سیستانی، مردم‌سالاری و انتخابات در عراق بدیل ندارد. ایشان در پاسخ روزنامه واشنگتن‌پست مبنی بر سؤال آیا جایگزینی برای انتخابات عمومی وجود دارد؟ به‌عنوان مثال آیا کمیته‌های کوچک منتخب ملت عراق می‌توانند، اعضای شورای تدوین قانون

اساسی را نامزد کنند؟ جواب دادند: انتخابات عمومی برای گزینش اعضای شورای تدوین قانون اساسی، هیچ جایگزینی ندارد (الخفاف، ۸۷).

در اندیشه آیت‌الله سیستانی نوع حکومت، به خواست مردم بستگی دارد. شبکه فاکس‌نیوز نیز در پرسش؛ نقش دین در قانون اساسی آینده عراق و نظام آموزشی و قضائی کشور چیست؟ جواب دادند که: «تمامی این موارد توسط نمایندگانی که از سوی ملت عراق برای شورای تدوین قانون اساسی انتخاب می‌شوند، مشخص خواهد شد» (همان، ۷۷). ایشان در پاسخ به پرسش‌های مجله آلمانی دیراشپگل نیز بر مردم‌سالاری تأکید و حقوق اقلیت‌های دینی را یادآور شدند (همان، ۹۸). ایشان در نامه‌ای به حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر، به مردم‌سالاری اشاره کردند و بیان داشتند: ... با شگفتی فراوان، اظهارات شما در شبکه العربیه را شنیدم که گفته‌اید: اکثریت شیعیان عراق و منطقه، گرایشی به دولت‌های خود ندارند؛ سخنی که توهین به ده‌ها میلیون نفر از فرزندان این منطقه و مواضع ارزشمند آنان در خدمت به میهن‌شان است. این دیدگاه، ناشی از چشم فرو بستن بر حقایق تاریخ امروز و گذشته نزدیک کشورهای همانند عراق، لبنان، کویت و بحرین است. چگونه می‌توان تلاش میلیون‌ها عراقی در انقلاب ۱۹۲۰ و رویارویی با اشغالگران انگلیسی و دفاع آنان از میهن خود را به هنگام اشغال نادیده گرفت، ... خطرناک‌ترین پیامد این دیدگاه آن است که به زیرساخت‌های تعامل با حقوق حقه شهروندی، اعم از سیاسی و اجتماعی و حتی فکری و فرهنگی با اتباع این کشورها آسیب وارد می‌کند (همان، ۱۴۶-۱۴۷).

وحدت و یکپارچگی

وفاق ملی و تأکید بر وحدت و حفظ یکپارچگی، از مهم‌ترین اصول مورد تأکید آیت‌الله سیستانی در جامعه است. ایشان در بیانیه‌های مختلف خود این اصل را مورد تأکید فراوان قرار دادند. ایشان هیچ‌گاه بحث تشخیص‌های مذهبی و قومی را مطرح ننموده‌اند (بهروزلک و شفاعی، ۱۰۰). ایشان در مجال‌های مختلف بر نقش گروه‌های مختلف و اقلیت تأکید کردند. ایشان قائل به تساهل و تسامح است. البته آیت‌الله سیستانی در صدد تساهل و تسامح دینی نیست بلکه به دنبال دینی‌سازی تساهل و تسامح است. از بارزترین مصادیق تساهل و تسامح دینی در رفتار آیت‌الله سیستانی، نحوه تعامل ایشان با اهل سنت است. با سقوط صدام اقتدار گروه اقلیت اعراب سنی‌مذهب از بین رفت و زمینه اقدامات انتقام‌جویی و تلافی‌جویانه شیعیان فراهم شد. آیت‌الله سیستانی در این زمان حکومت عراق را به حفظ امنیت تمامی مردم عراق صرف‌نظر از

وابستگی‌های نژادی و مذهبی و فکری مکلف کرد. تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با اهل سنت و انجام گفتگو، دیدارهای مستقیم و غیرمستقیم را تنها و بهترین راه حل برای مرتفع کردن هر نوع اختلاف احتمالی دانست. گروه‌های سکولار و ملی‌گرای عراقی به‌رغم تلقی منفی از رابطه دین و سیاست و جایگاه مقامات مذهبی در این حوزه، رابطه احترام‌آمیزی با آیت‌الله سیستانی دارند. این ارتباط حاکی از توجه آنان به تساهل و تسامح در رفتار سیاسی مردم‌سالار و رویکرد کل‌گرایانه آیت‌الله سیستانی است (حاجی‌یوسفی و عارف‌نژاد، ۵۴).

آیت‌الله سیستانی مدام در بیانیه‌های خود اصل وحدت و یکپارچگی را مورد تأکید قرار می‌دهند و هیچ‌گاه بحث شیعه و سنی را مطرح نکرده‌اند. خروج نیروهای اشغالگر را نیز تنها راه وحدت و یکپارچگی عراقی‌ها می‌دانند. ایشان در پاسخ به سؤال خبرنگار آسوشیتدپرس جواب دادند که: «شکل عراق جدید را مردم عراق با جمیع قومیت‌ها و مذاهبش تعیین خواهند کرد. وسیله آن هم انتخابات آزاد است» (الخفاف، ۲۴).

آیت‌الله سیستانی گفت‌وگو را بهترین راه حل برای حل اختلافات بین اهل سنت و شیعه در عراق می‌داند. در پاسخ به سؤالی درباره شیعه و سنی، جواب می‌دهد: «ارتباط با برادران اهل سنت پابرجاست؛ چه از طریق دیدارهای مستقیم یا غیرمستقیم. دیدگاه‌های ما در بیشتر مسائل اصلی، تطابق دارد و یا به هم نزدیک است. گفت‌وگو بهترین راه حل اختلافات احتمالی است» (همان، ۵۰). ایشان در آستانه نشست مجمع ملی عراق، خواستار حضور اهل سنت در تدوین قانون اساسی و دولت آینده این کشور شد. در دیدگاه سیاسی ایشان عراق، متعلق به همه عراقی‌هاست. به همین سبب، گروه‌های پیروز در انتخابات مجمع ملی، بایستی فرصت حضور سایر گروه‌های را در دولت بدهند و به خواست همه عراقی‌ها توجه کنند. نبایستی جفایی علیه گروه یا شخصی صورت گیرد. رسیدگی به خواست عراقی‌ها و توجه به همه قومیت‌ها و پیروان همه ادیان ازجمله اقلیت‌ها، بایستی موردتوجه قرار گیرد. جفا و تجاوز به حقوق دیگران به‌هیچ‌وجه قابل قبول نیست (قاسمی، ۱۳۱).

از جمله اقدامات دیگر آیت‌الله سیستانی در حفظ وحدت، زمان اوج‌گیری اختلافات و حمله و ویرانی حرم امامین عسکریین علیه السلام بود. ایشان به‌رغم همه فشارها، همچنان روی اصول تفاهم و ایجاد عراق واحد و مستقل تأکید داشتند و خواستار آرامش شدند. ایشان درخواست کرد که اقدامی تلافی‌جویانه علیه اهل تسنن صورت نگیرد. هوشیاری ایشان، آنگاه مشخص می‌گردد که یکی از مفتی‌های سعودی بر ضرورت تخریب این اماکن مقدس، فتوایی منتشر کرده بود. آیت‌الله

سیستانی در خصوص رابطه شیعه و سنی، بارها بر این نکته تأکید کرده است که می‌بایست اتحاد عراق حفظ‌شده و سنی و شیعه در پی حفظ وحدت ملی و پاسداری از اصول ثابت دینی و ملی خود باشند. ایشان در پاسخ به استفتایی که از ایشان، مبنی بر نظر ایشان درباره نماز جمعه در شرایط فعلی عراق، فرمودند: «در صورتی که مظهر وحدت کلمه مؤمنین باشد و سبب تفرقه و اختلاف در شهر نشود؛ اقامه آن را ترجیح می‌دهیم» (همان، ۱۷).

آیت‌الله سیستانی، در واکنش به رفتار عده‌ای از افرادی که اقدام به تصرف مساجد اهل سنت نموده بودند و ائمه جماعات آنان را اخراج کرده بودند، فرمودند: «این عمل به شدت محکوم است و باید دست از این تجاوزات بردارند. امنیت امام جماعت این مساجد را تأمین کنید. آنان را با عزت و احترام به مساجدشان بازگردانید» (همان، ۱۷).

ایشان در راستای حفظ وحدت و یکپارچگی با طایفه‌گرایی به شدت مخالفت نموده و با آن مبارزه کردند. در مناسبت‌های مختلف خطر طایفه‌گرایی را گوشزد می‌نمودند. وی در بیانیه خویش به مناسبت انفجار حرمین عسکریین (عج) بیان داشتند: ... کلمات از محکوم کردن این جنایت زشت که تکفیری‌ها با انجام آن خواستار وقوع فتنه در میان فرزندان ملت عراق بودند تا به اهداف شوم خود دست یابند، قاصرند... ما ضمن عرض تسلیت این مصیبت بزرگ به حضرت صاحب‌الزمان (عج) یک هفته عزای عمومی اعلام نموده و از مؤمنین می‌خواهیم که در طول این مدت، با روش‌های مسالمت‌آمیز، مراتب اعتراض خود را اعلام کنند. این حرمت‌شکنی‌ها و روا شمردن تجاوز به مقدسات را محکوم نمایند. به همه کسانی که از این جنایت هولناک در حال درد و اندوه و مصیبت به سر می‌برند، اکیداً سفارش می‌کنیم؛ که این کار آنان را به واکنش‌هایی از قبیل فتنه‌ی طایفه‌ای که دشمنان از دیرباز خواسته‌اند عراق را درگیر آن کنند، وادار نکند (همان، ۱۴۵).

آیت‌الله سیستانی عوامل تفرقه و طایفه‌گری را عوامل بیرونی می‌دانند. در این زمینه در پاسخ به مجله ژاپنی فورسایت مبنی بر راه‌حل چالش شیعه و سنی در عراق، فرمودند: میان شیعیان و اهل سنت درگیری وجود ندارد، بلکه یک چالش سیاسی است. برخی از طرف‌ها برای دستاوردهای سیاسی و ایجاد یک فضای تازه با موازنه‌ای به‌جز وضعیت کنونی، به خشونت‌های طایفه‌ای می‌پردازند؛ کاری که طرف‌های دیگر را نیز تشویق به خشونت می‌کند. افزون بر این، اقدامات گروه‌های تکفیری که با نقشه‌های شناخته‌شده خود در شعله‌ور کردن درگیری میان طرفین می‌کوشند (همان، ۱۶۲). ایشان در جواب سؤال روزنامه نیویورک تایمز و روزنامه فرانسوی نوول

آزروتور مبنی بر نگرانی ایشان از طایفه‌گری نیز فرمودند: چنانچه طرف‌های بیگانه در امور عراق دخالت نکنند؛ هیچ نگرانی در این باره وجود ندارد (همان، ۲۳ و ۶۶).

وحدت‌گرایی در رفتار آیت‌الله سیستانی به جامعه شیعه و اهل سنت منحصر نمی‌گردد، بلکه ایشان در پی وحدت ادیان الهی بر مشترکات هستند. ایشان در پیام به مناسبت درگذشت پاپ نیز مسئله وحدت را یادآوری نمودند و فرمودند: جناب کاردینال آنجلو سودانو دبیر محترم دربار واتیکان، درگذشت پاپ اعظم یوحنا پولس دوم، پاپ واتیکان را که در راه صلح و تسامح دینی، نقش برجسته‌ای را ایفا کرد و بدین سبب از احترام ملل و ادیان گوناگون بهره‌مند شد، خدمت شما و دیگر پیروان کلیسای کاتولیک تسلیت می‌گوییم. امروز بشریت بیش از هر زمان دیگر نیازمند تلاش جدی و پیگیر، به‌خصوص از سوی رهبران دینی و معنوی است تا ارزش‌های محبت و همزیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر رعایت احترام و حقوق متقابل میان پیروان ادیان گوناگون و رویکردهای فکری نهادینه شود (همان، ۱۳۵).

بنابراین رفتار وحدت‌آفرین و مبارزه با تفرقه‌گرایی و طایفه‌گری آیت‌الله سیستانی کاملاً مشهود است. درایت ایشان در برخورد با پدیده طایفه‌گری ستودنی است. یکی از نمونه‌های این درایت نحوه برخورد ایشان با غایله نجف بود که توانست بدون آنکه به ساحت مقدس روحانیت و حوزه علمیه نجف و به‌ویژه جریان صدی‌ها خدشه‌ای وارد شود، جنگ مغلوبه ارتش جیش‌المهدی با ارتش مسلح آمریکا را به پایان رساند. پس‌ازاین جنگ بود، که «مقتدی صدر» به‌خوبی دریافت که باوجودآنکه اهداف وی با اهداف مرجعیت در بیرون راندن اشغالگران از خاک عراق منافاتی ندارد، اما باین‌وجود راهی را که انتخاب کرده صحیح نبوده یا حداقل در شرایط حال حاضر برای شیعیان و آینده آن‌ها، ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد.

نفی اشغالگری

۷۹

بعد از سقوط نظام بعث در سال ۲۰۰۳ م، به‌رغم رضایتمندی شیعیان عراق از این رویداد، آیت‌الله سیستانی در ابتدا هیچ بیانیه‌ای صادر ننمود و موضع‌گیری خاصی نکرد؛ زیرا علی‌رغم ظلم و ستم‌های غیرانسانی رژیم بعث، تغییر نظام را از طریق نیروهای اشغالگر نیز نمی‌پسندید. ایشان این موضوع را لطمه‌ای جدی به استقلال وحدت سیاسی این کشور تلقی می‌نمود (بهروزلک و شفایی، ۹۸). در این زمینه ایشان در پاسخ به سؤال شبکه بی‌بی‌سی که موضع ایشان در قبال نیروهای اشغالگر چه بوده است؟ توضیح می‌دهند: ملت عراق زیر سلطه نظام خودکامه‌ای

می‌زیست که برای عراق و همه منطقه، حوادث شناخته‌شده‌ای را پدید آورد. هیچ چشم‌انداز روشنی برای نجات از آن، از طریق راهکارهای مسالمت‌آمیز دیده نمی‌شد. باین‌حال، مرجعیت دینی هرگز با تغییر رژیم از راه جنگ و اشغال همسو نبود؛ زیرا این کار پیامدهای اسفبار فراوانی داشت که کشور تاکنون نیز از آن رهایی نیافته است. از این‌رو، مرجعیت بر آن شد تا از یکسو، به نشانه عدم‌اعتراف به مشروعیت اشغالگری، هیچ‌یک از مقامات مسئول در نیروهای اشغال را به حضور نپذیرد (الخفاف، ۱۸۷). وقتی که در مورد عدم‌حضور ایشان در ملأعام پرسیده می‌شود، نیز در پاسخ می‌فرماید: «حضور من در مجامع عمومی، نشانی از رضایت از اوضاع جاری کشور است؛ در صورتی که این‌گونه نیست و من از حضور بیگانگان به شدت ناراضی هستم» (عقیقی بخشایشی، ۷۵). ایشان در اولین تصریحی خود بعد از سقوط رژیم بعث و داخل شدن نیروهای اشغالگر به عراق، بیان داشتند که «ان العراق للعراقیین و ان الافضل لالبناء العراق ان يتصدوا لاداره البلاد و لیس علیهم ان يفعلوا ذلک تحت اية سلطة الاجنبیه» (قاسمی، ۱۲۸، الخفاف، ۱۶). کشور عراق باید به دست ملت عراق و بهترین فرزندان عراق اداره شود؛ و غیر عراقی، حق دخالت در سرنوشت عراق را ندارد و مردم عراق نباید تحت سلطه اجنبی، فعالیت کنند.

آیت‌الله سیستانی در طول سال‌هایی که نیروهای آمریکایی در عراق مستقر بودند، هیچ‌گونه ارتباطی با آن‌ها برقرار نکرده است. در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه نیویورک‌تایمز که آیا موافق با ماندن نیروهای اشغالگر در عراق است؟ آیا هیچ‌گونه ارتباطی با نیروهای آمریکایی در عراق دارد؟ در جواب هر دو می‌گوید: «کلا». هرگز نه ارتباطی با آن‌ها داشته و نه موافق ماندن آنان در عراق است (الخفاف، ۲۳). در طول مدت حاکمیت پل برمر در عراق، آیت‌الله سیستانی، حاضر به ملاقات با وی نشد. یک‌بار هم که برمر به‌قصد دیدار و مذاکره با ایشان، عازم نجف می‌شود، او را به حضور نمی‌پذیرد. بار دیگر نماینده وی بی‌خبر تا پشت در خانه آیت‌الله سیستانی آمده و نامه‌ای آورده بود، اما اجازه حضور نمی‌یابد (قاسمی، ۱۲۸). پل برمر عدم ملاقات با آیت‌الله سیستانی را این‌گونه توجیه می‌کند که: «این عمل در نزد مؤمنین، وجهه مناسبی ندارد». که در جواب ایشان آمده است. «عدم ملاقات با رؤسای نیروهای ائتلاف از نظر آیت‌الله سیستانی، یک اصل به‌حساب آمده و این به دلیل اشغالگر بودن آنان است که این ملاقات، باعث مشروعیت آنان می‌شود و این بر اساس تأمین مصالح عالیه گروه‌های عراقی است» (قاسمی به نقل از الخفاف، ۴۲۱). آیت‌الله سیستانی ضمن اعتقاد به خروج نیروهای اشغالگر، وجود آن‌ها را در صورت نیاز، تحت اشراف سازمان ملل جایز می‌داند. وی در پاسخ به سؤال روزنامه واشنگتن‌پست مبنی بر

این که نظر شما در خصوص نیروهایی که در عراق برای حفظ امنیت و سلامت عمل می کنند، چیست؟ در جواب می فرمایند: «زمانی که نیاز به حضور ایشان باشد، عمل آن ها باید تحت اشراف سازمان ملل باشد نه نیروهای اشغالگر» (الخفاف، ۷۸). آیت الله سیستانی بعد از اشغال نظامی عراق به برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک، تهیه قانون اساسی عراق و تشکیل دولت مردمی با توجه به نفوذی که در میان شیعیان داشتند، مصرانه پی گیر بودند. در این زمینه با درایت، نبوغ و تدابیر ویژه ای که میزول داشتند، توانستند تمامی کارشکنی های اشغالگران را در ایجاد اخلال در شکل گیری حکومت مردمی و مسلمان عراق خنثی ساخته و بسیاری از اهداف و نقشه های شوم آنان را نقش بر آب نمایند. این در حالی است که بنا به اعتراف روزنامه آمریکایی واشنگتن پست: «آیت الله سید علی سیستانی نه تنها جرج بوش و هیچ یک از فرماندهان آمریکایی در عراق را به حضور نپذیرفت، بلکه آن ها را همچون عروسک خیمه شب بازی کنترل می کند ... آیت الله سیستانی هم اکنون قدرتمندترین چهره در عراق است. شیعیان نیز که اکثر جمعیت عراق را تشکیل می دهند، قوی ترین نیرو سیاسی در عراق هستند و هدایت دولت و وزارت کشور عراق را نیز در دست دارند.» (روزنامه کیهان، دوشنبه ۸ آبان ۱۳۸۵).

ایشان در پاسخ به پرسش های روزنامه واشنگتن پست مبنی بر بهترین پند از میان آیات، روایات و سخنان بزرگان برای عراقی ها، فرمودند: در قرآن کریم و احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت  مواردی بسیاری هست که اگر مسلمانان به آن ها عمل می کردند؛ وضعیتی بهتر از آنچه اکنون در آن به سر می برند، می بودند؛ و یکی از بارزترین این رهنمودها، گفتار خداوند تبارک و تعالی است که می فرماید: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطُّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ ... (زمر: ۱۷-۱۸)» (الخفاف، ۳۵). ایشان در جواب همین روزنامه نسبت به رابطه با آمریکایی ها فرمودند: نگرانی شدیدی نسبت به اهداف آنان احساس می کنم (همان). آیت الله سیستانی با حضور اشغالگران مخالف بود و برنامه های آنان را غیرقانونی می دانست. در همین زمینه گروهی از مؤمنین در استفتایی از ایشان مبنی بر اینکه نیروهای ائتلاف در عراق اعلام کردند؛ که درصدد تشکیل شورایی برای تدوین قانون اساسی آینده عراق هستند، فرمودند: آن نیروها هیچ صلاحیتی برای تعیین اعضای شورای تدوین قانون اساسی ندارند؛ کما اینکه هیچ تضمینی وجود ندارد که آن شورا قانون اساسی را مطابق مصالح عالیه ملت عراق و برابر با هویت ملی این کشور که دین حنیف اسلام و ارزش های والا اجتماعی از کانون های اصلی آن است، تدوین کند؛ بنابراین برنامه یادشده از اساس پذیرفتنی نیست و باید

ابتدا انتخابات عمومی برگزار شود (همان، ۳۷). آیت‌الله سیستانی در پاسخ پرسش روزنامه هندی پائونیز مبنی بر گفته آقای پل برمر که بعد از تشکیل دولت موقت نیز سربازان آمریکایی در عراق خواهند ماند، فرمودند: چگونه امکان دارد که حضور اشغالگران را در عراق تأیید کنیم؟ (همان، ۵۴). مبارزه با اشغالگری در اندیشه و رفتار آیت‌الله سیستانی به‌خصوص بعد از اشغال عراق، نمود برجسته‌ای دارد. در سخنان و پیام‌های ایشان، مرتب بر پایان اشغالگری نیروی‌های ائتلاف به رهبری آمریکا تأکید می‌شود. ایشان در جواب روزنامه فرانسوی نوول آبزروتور که زمان مناسب خروج نیروهای آمریکایی از عراق چه وقت است؟ فرمودند: در اصل هیچ دلیلی برای حضور آن‌ها وجود ندارد (همان، ۶۶).

از نگاه آیت‌الله سیستانی مسئولیت ناامنی‌های عراق، به عهده اشغالگران است. ایشان در بخشی از بیانیه خود نسبت به شهادت آیت‌الله سید محمدباقر حکیم آوردند؛ که «ما ضمن محکوم کردن این اعمال زشت، مسئولیت آنچه را که اینک عراق شاهد آن است، از نابسامانی امنیتی گرفته تا افزایش عملیات‌های جنایت‌کارانه، متوجه نیروهای اشغالگر می‌دانیم. بار دیگر بر تقویت نیروهای میهنی عراق و تجهیز و یاری آنان به‌منظور فراهم‌سازی امنیت و آرامش خواهانیم» (همان، ۶۷). آیت‌الله سیستانی حضور نیروهای ائتلاف در عراق را اشغالگری می‌داند. وی در پاسخ هفته‌نامه لهستانی مبنی بر نظر ایشان نسبت به حضور آمریکایی‌ها، فرمودند: همان‌گونه که در قطعنامه شورای امنیت نیز آمده، اشغالگری است (همان، ۷۰). روزنامه واشنگتن‌پست نظر ایشان را درباره توافق‌نامه ۲۰۰۳/۱۱/۱۵ (برنامه انتقال قدرت) پرسید که فرمودند: این برنامه بر اساس توافق میان شورای حکومتی با نیروهای اشغالگر و به‌منظور تهیه قانون دولت انتقالی عراق تدوین شده؛ و بدین ترتیب، فاقد مشروعیت است. برای کسب مشروعیت، باید آن را، نمایندگان ملت تصویب کنند (همان، ۸۲). ایشان در پاسخ به پرسش‌های مجله آلمانی دیراشپیگل که اشغالگران خواستار به تأخیر افتادن انتخابات به علت مسائل امنیتی است، فرمودند: انتخابات مناسب‌ترین روشی است که به ملت عراق امکان می‌دهد تا دولتی را برگزیند که منافع آنان را در نظر گیرد... اما چنان‌چه در زمان باقی‌مانده تا پایان ژوئن برگزاری انتخابات میسر نشود؛ تنها عامل آن را باید در کارشکنی اشغالگران در ماه‌های گذشته دانست. اشغالگران همواره با امروز و فردا کردن، در بسترسازی برای برگزاری انتخابات وقفه ایجاد می‌نمایند. (همان، ۹۶).

نگاهی به چگونگی عملکرد آیت‌الله سیستانی در قبال مردم مسلمان عراق خصوصاً بعد از

زمان اشغال نظامی این کشور، به‌خوبی مشخص‌کننده تفکر و ابعاد استعمارستیزی این عالم مجاهد است. نقش و رفتار سیاسی آیت‌الله سیستانی حداقل بعد از اشغال عراق کاملاً روشن است. روش ایشان در حل بسیاری از بحران‌ها جوابگو بوده است. باید از نقش آیت‌الله سیستانی در صدور حکم جهاد که باعث عدم سقوط دولت بغداد شد، یاد کرد.^۲

نتیجه

نقش و رفتار سیاسی آیت‌الله سیستانی از مراجع عالی تقلید نجف، بعد از سقوط رژیم صدام، به‌عنوان یک نیروی سیاسی فعال در عراق، بیش‌ازپیش موردبحث قرار گرفت. دیدگاه و رفتار ایشان نسبت به سیاست و امور سیاسی، به‌ویژه در امور عراق همواره مهم تلقی می‌شود. یافته‌های بحث نشان می‌دهد که در رفتار سیاسی آیت‌الله سیستانی، نشانه‌های فراوان سیاسی قابل توجه و شناسایی است. موضع‌گیری‌های مردم‌سالارانه آیت‌الله سیستانی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های رفتار سیاسی ایشان است. این موضع‌گیری‌ها با پشتیبانی و رضایت نسبی تمام اقوام و پیروان مذاهب مختلف در عراق همراه شد. سرانجام رفتار وی، تبدیل ایشان را به الگوی بی‌بدیلی در نظر جامعه عراق است. این مواضع و رفتار سیاسی، اشغالگران را وادار نمود تا در انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی، پیشنهادهای ایشان را بپذیرند. نگاه ویژه به امنیت و رفاه، توجه به نقش و جایگاه زن و همچنین مبارزه با فساد در جامعه از دیگر نشانه‌های رفتار سیاسی ایشان است. رصد سرنوشت کلان جهان اسلام به‌ویژه مسائل فلسطین، قانون مداری، تقریب‌گرایی و توجه ویژه به وحدت و مخالفت با اشغالگری از نشانه‌های مهم رفتار سیاسی ایشان هستند.

۲ درباره صدور حکم جهاد آیت‌الله سیستانی نک: <http://www.sistani.org/persian/in-> ۲۵۰۳۷news/؛ آیت‌الله سیستانی فتوای جهاد صادر کرد.

منابع و مأخذ

- بهروز لک، غلامرضا و امان‌الله شفایی، نقش امام موسی صدر و آیت‌الله سیستانی در انسجام سیاسی جامعه چند فرهنگی لبنان و عراق، علوم سیاسی، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۹۲.
- جمعی از نویسندگان، (گلابگیر نیک، سید محمود، نسرين احمدیان، سید محسن حسینی، ابراهیم زنگنه و محمود پسندیده)، نجف کانون تشیع، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۸۳.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و ابوالقاسم عارف نژاد، نشانه‌شناسی گفتمان اسلام سیاسی و مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۰.
- الخفاف، حامد، النصوص الصادرة عن سماحة السيد السيستاني في المسألة العراقية، دار المورخ العربی، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۷.
- دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی آیت‌الله سیستانی درباره مسائل عراق، ترجمه محمدجواد رحمتی، انتشارات کویر، ۱۳۹۲.
- رازانی، احسان، پیامدهای حضور نظامی آمریکا در عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سازمان عقیدتی ناجا، تهران، ۱۳۸۶.
- رهیمی، عبدالحلیم، تاریخ الحركة الإسلامية في العراق الجذور الفكرية و الواقع التاريخي (۱۹۰۰ - ۱۹۲۴)، الدار العالمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۵.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، آیت‌الله‌العظمی حاج سید علی سیستانی، سیره عملی و عمل و آثار و برکات او، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۸۲.
- قاسمی، فرج‌الله، مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال؛ با تأکید بر اندیشه آیت‌الله سیستانی، علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۸.
- مریجی، شمس‌الله، مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷.
- مهرنامه، کاریزمای آیت‌الله، گفت‌وگو با سید علی موجانی مدیرکل پیشین اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مجله مهرنامه، شماره ۱۱، اردیبهشت ۱۳۹۰.
- نادری دوست، علی، شیعیان عراق، انتشارات آشیانه مهر، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶.
- www.hamshahrionline.ir/details/319249
- جعفریان، رسول، آیت‌الله سیستانی کیست؟
www.khabaronline.ir/detail/284700/weblog/jafarian
- موجانی، سید علی، ریشه‌یابی بحران کنونی عراق، پایگاه عبرت‌پژوهی تاریخی
<http://pishine.ir/archives/12693>
- فاتح، ابوالفضل، مکتب سیستانی مندرج در shafqna.com